

شبهات ها و پیامدها در حرکت طالبان

شباهت ها و پیامدها در حرکت طالبان

وهابیون طالبان را از میان خودشان و در افغانستان برای تسلط بر جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادند. فکر و اندیشه طالبان زائیده تفکر انحرافی وهابیت در پاکستان است. از اهداف شکل گیری طالبان می توان به تشدید تفرقه در جهان اسلام، ایجاد کانون بحران در همسایگی ایران و... اشاره کرد که در ادامه توضیحات بیشتری در این زمینه بیان خواهد شد.

شهادت مظلومانه مسوولان و کارکنان فداکار کنسولگری جمهوری اسلامی در مزار شریف و نیز شهادت خبرنگار اعزامی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران توسط گروهک طالبان حتی برای افراد خوش باور جای کوچکترین شک و شبهه ای باقی نگذاشت که این گروه به هیچ یک از قوانین و مقررات و عرف پذیرفته شده بین المللی و به هیچ کدام از اصول اخلاقی و انسانی پایبند نیستند و مشتکی عناصر جنگ طلب، تروریست، کینه توز، متحجر و خودمحور بیش نمی باشند. به رگبار بستن تنی چند دیپلمات و نماینده سیاسی غیر مسلح و بی دفاع، قهرمانی نیست، بلکه تجسم کینه توزی کور و نمادی از برخوردهای خشن و بی رحمانه قبیله ای و بادیه نشینی است و هرگز در خور شائن افراد مدعی تشکیل دولت و حکومت و اداره یک ملت و یک جامعه اسلامی نمی باشد. امروز مسلم شده است که گروهک طالبان پدیده ای است که مولود مثلث: «پول بعضی از کشورهای عربی، سازمان امنیتی و اطلاعاتی ارتش پاکستان و مشاوران و طراحان آمریکایی است. در حوادث اخیر به ویژه نقش برجسته ارتش پاکستان» به نحو انکارناپذیری خودنمایی می کند، و در این میان آنچه ارزش ندارد، اظهارات ضد و نقیض و گاهی مسالمت جویانه سیاستمداران پاکستان است. گویا مقدر بوده است که در دو کشور همسایه ما یعنی ترکیه و پاکستان، سیاستمداران و زمامداران به گونه ای حرف بزنند و ارتش آنها به گونه دیگر عمل کند!، از این رو کسانی که به ساختار قدرت در پاکستان آشنایی ندارند از موضع گیریهای رسمی سیاسی دولت پاکستان و اقدامات عملی که از ناحیه این کشور صورت می گیرد، دستخوش تعجب می گردند! آنچه در اینجا هدف اصلی است تا توجه خوانندگان عزیز را به آن جلب کنیم دو وجه شباهت است که در حرکت طالبان به چشم می خورد و در ارزیابی شعاع قدرت تخریبی و تشنج آفرینی این گروه در منطقه در آینده، و پیش بینی مقابله با آن نباید این دو جهت را از نظر دور داشت: 1 - حرکتهای اخیر گروه طالبان به ویژه به شهادت رساندن دیپلماتهای ایرانی و نسل کشی در بامیان و هزاره جات، هر شخص مطلعی را به یاد فتنه «محمد بن عبدالوهاب» پیشوای وهابیان و خونریزیهای او و پیروانش در عراق و حجاز می اندازد. لبه تیز حملات محمد بن عبدالوهاب در آن فتنه بزرگ متوجه شیعیان بود و به همین دلیل شهرها و مراکز شیعه نشین همچون کربلا و نجف تلفات و ضایعات فراوانی در آن ضایعه خونین متحمل شد و هزاران نفر مسلمان تنها به این جرم که معتقدات وهابیان را قبول نداشتند قربانی شدند. امروز فکر و اندیشه طالبان که اخلاف محمد بن عبدالوهاب و زائیده تفکر انحرافی وهابیت در پاکستان است، نه تنها از کینه و تعصب ضد قومیتها و نژادهای غیر پشتون انباشته و لبریز است، بلکه تعصب ضد شیعی نیز در میان آنها بیداد می کند و نسل کشی های این گروه در

بامیان و هزاره جات در همین رابطه است. یک گواه این معنا حمله وحشیانه این گروه به خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در شهر مزارشریف در شهریور ماه گذشته و به آتش کشیدن کتابخانه آن با ده هزار جلد کتاب و تخریب ساختمان خانه فرهنگ ایران است. گواه دیگر آن انفجار مقبره حجه الاسلام «شهید مزاری» توسط این گروه است که به گفته شاهدان عینی افراد طالبان نخست قبر شهید مزاری را شکافته و استخوانهای وی را بیرون آوردند و سپس مقبره را منفجر نمودند. حجه الاسلام مزاری که از رهبران شیعیان بود، چند سال پیش توسط گروه طالبان اسیر گردیده و پس از شکنجه به شهادت رسید و جنازه وی توسط شیعیان در مزارشریف دفن شد و مقبره ای برای وی ساخته شد. 2 - مطالعه جریان پیش روی طالبان و تقویت پنهان و آشکار آنان توسط بعضی از دولتهای منطقه و خارج از منطقه، هر فرد تیزبین و اهل مطالعه را به یاد چگونگی شکل گیری و تاسیس رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل می اندازد و از تشابه این دو و عواقب آن دستخوش نگرانی می سازد. در آغاز حرکت صهیونیسم بین المللی در جهت تاسیس دولت غاصب اسرائیل نیز چند دولت بزرگ، دست به دست هم دادند و بعضی از دولتهای منطقه دچار غفلت شده و بعضی دیگر عکس العملهای ضعیفی از خود نشان دادند. و صهیونیستها با کشتار و ترور و مشت آهنین موانع را از سر راه برداشتند. مجموع این عوامل مولود نامشروع و شومی به نام اسرائیل را در منطقه به وجود آورد که اکنون منشاء همه گونه تشنج در منطقه است امروز نیز شکل گیری دولت طالبان با تکیه به قدرت و زور و خشونت و تصفیه نژادی پیش می رود و قدرتهایی پشت آنها قرار دارند. و اگر دولت های منطقه و کشورهای همسایه غفلتها و سستی های آن روز کشورهای منطقه و عربی را تکرار کنند دیری نخواهد پایید که با عامل تشنج بزرگی در منطقه روبه رو خواهند شد و تاوان سنگین غفلت های امروز را خواهند پرداخت چرا که هنوز هیچ نشده این دولت خود خوانده - همچون رژیم صهیونیستی که آرزوی تشکیل دولتی بزرگ از نیل تا فرات را در سر می پروراند - تشکیل دولتی بزرگ از نیشابور تا بلخ و بخارا را زمزمه می کند!

فتنه طالبان و شش انگیزه آشکار

اهداف شکل گیری طالبان:

1 - تشدید تفرقه در جهان اسلام

از اهداف عمده وهابیت که با اتکاء به بعضی آموزه های حنبلی و تفسیرهای متحجرانه از توحید عملی و با پشتیبانی و تشویق عوامل انگلیسی شکل گرفته است. مبارزه با وحدت اسلامی، ارائه چهره خشن و متحجرانه از اسلام و در واقع کوشش جهت انزوای اسلام به نام اسلام می باشد. در این میان پاکستان با جمعیتی حدود صد میلیون - متشکل از فرقه های مختلف اسلامی و قومی بستر مناسبی جهت ترویج وهابیت بوده است. وهابیت با همه بخصوص با شیعیان در تعارض است. سازماندهی طالبان از میان وهابیون به منظور تسلط بر افغانستان آن هم در همسایگی ایران که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند، انتخاب حساب شده و درستی بوده است. زیرا از طرفی از نظر ایدئولوژیک با همه اقوام افغانی در تعارض است و از جانب دیگر به طور مبنائی در تعارض با نظام جمهوری اسلامی ایران است. علاوه بر آن به عنوان دومین پایگاه وهابیکری بعد از عربستان می تواند نقش عمده ای را در ایجاد تفرقه در جهان اسلام بازی کند. در خبرها مکرر آمده است که وهابیت در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی فعالیتهای روبه گسترش را شروع کرده است و طبیعی است که با استقرار حکومت طالبان در افغانستان این حکومت به عنوان مرکز اصلی هدایت حرکت وهابیکری در آسیای مرکزی نقش مهمی را می تواند ایفا نماید.

2 - ایجاد کانون بحران در همسایگی ایران

طالبان با توجه به آموزه های خود که علاوه بر اندیشه های وهابی شامل خرافات و عقائد متحجرانه دیگری نیز می باشد از نظر اعتقادی در تضاد بزرگی با جمهوری اسلامی است بنابر این تفنگ بدستان طالبان و رهبران آنان برخوردار از انگیزه های قوی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران می باشند و با اتکا به همین انگیزه ها می توانند خطرات بزرگی را برای جمهوری اسلامی ایران بیافرینند. از جانب دیگر با توجه به دشمنی های تاریخی پشتوها با فارسی زبانها این امر هم مزید بر علت شده و دشمنی آنان را با حکومت و مردم ایران تشدید می کند. نکته قابل توجه دیگر اتکای طالبان به درآمدهای ناشی از صدور مواد مخدر و قاچاق و ممانعت و مخالفت جمهوری اسلامی ایران با آن است. این تعارض جز با رویکرد طالبان به منابع دیگری غیر از قاچاق مواد مخدر قابل رفع نیست لذا قابل پیش بینی است که همواره در مرزهای شرقی درگیریهای پراکنده نظامی وجود داشته باشد.

3 - ایجاد پایگاههای ضد انقلاب در داخل افغانستان

باتوجه به همسویی اهداف طالبان و ضدانقلاب در قبال جمهوری اسلامی ایران بعید نیست که در آینده نه چندان دور، ضدانقلاب تحت حمایت طالبان پایگاههای جدیدی را در افغانستان ایجاد کند. چنان که در خبرها آمده است مجاهدین خلق در افغانستان تردد داشته اند.

4 - ایجاد گزینه ای در برابر ایران برای انتقال لوله های نفت و گاز آسیای میانه.

آمریکا به خوبی از ذخایر عظیم نفت و گاز آسیای میانه و دریای خزر آگاه است. ظاهرا ایران ارزانتترین مسیر انتقال انرژی است این امر علاوه بر تاءمین منافع کشورهای صادر کننده و شرکتهای نفتی منافع اقتصادی قابل توجهی نیز برای ایران خواهد داشت به علاوه نقش تعیین کننده ای از نظر سیاسی به ایران خواهد داد. موضوع اخیر با منافع آمریکا در تضاد آشکار است بنابراین تسلط طالبان بر افغانستان گزینه ای فراروی آمریکا قرار می دهد که علاوه بر تاءمین منافع شرکتهای آمریکایی و مخالفت از منافع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران طالبان، سود قابل توجهی نیز نصیب متحد او پاکستان خواهد نمود.

5 - بعضی دولتها برای نیل به اهداف خود بالاخص در مبارزه با رقبا برنامه هایی را در دستور کار خود قرار می دهند که با شوون بشری و قوانین بین المللی مغایرت دارد و چون نمی خواهند مسوولیت انجام آن را مستقیما عهده دار شوند، برنامه های مزبور از طریق عوامل دست چندم انجام می دهند. در سالهای اخیر مرزهای شرقی ما با پاکستان همواره محل عبور قاچاق و مواد مخدر بوده است. اما علیرغم اقدامات تاءمینی شدید از جانب جمهوری اسلامی ایران قاچاقچیان در خاک پاکستان با امنیت و آزادی تردد نموده و به حمل قاچاق مشغول بوده اند گفته می شود بخشی از دولت و ارتش پاکستان خود شریک کاروانهای مواد مخدر هستند بنابراین بعید نیست یکی از اهداف تشکیل گروه طالبان انجام جنایات سازماندهی شده ای است که بعضی دولتمردان و نظامیان پاکستانی و یا دول منطقه به دنبال انجام آن هستند عقب نشینی آمریکا از فشار بر روی طالبان جهت استرداد بن لادن که گفته می شود با سرویسهای اطلاعاتی آمریکا دارد با این تفسیر قابل درک است.

6 - از آثار دیگر تسلط طالبان بر افغانستان گسترش جبهه و خط تماس پاکستانیها با کشور هندوستان است، بدین ترتیب فرصتهای بیشتری برای پاکستان جهت فشار بر دولت هند فراهم می گردد و پاکستان می تواند از طریق افغانستان منطقه ای از هند را ناامن کند و در دسرهای زیادی برای دولت هند فراهم آورد. اینک با توجه به پیامدهای مذکور و تبعات دیگر سیطره طالبان در افغانستان، و .. اهمیت این کلام مقام معظم رهبری که فرمودند: «خطر بسی نزدیک است

« معلوم می گردد.